حاشیه مراسم روز قدس

استقبال شعاری از هاشمی و احمدی‌نژاد

حضور هاشمی‌رفسنجانی با استقبال جمعی از نمازگزاران همراه شد. هنگامی که وی از خیابان نجات‌اللهی تقاطع خیابان انقلاب وارد جمع راهپیمایی‌کنندگان شد، با شعار «خامنه‌ای زنده‌باد، هاشمی پاینده‌باد» مورد استقبال قرار گرفت. همچنین هنگامی که احمدی‌نژاد از خیابان دانشگاه وارد مسیر راهپیمایی شد مردم اطراف وی شعار دادند «احمدی بت‌شکن/ بت بزرگ را بشکن».

پرچم اسرائیل زیر پای راهپیمایان

مطابق هر سال پرچم اسرائیل در کف خیابان و در مسیر راهپیمایی به تصویر کشیده شده بود و راهپیمان از روی این پرچم که در تقاطع خیابان‌های وصال و انقلاب بر زمین نقش بسته بود، عبور کردند.

آتش زدن ناوهای نمادین

گروهی از شرکت‌کنندگان در مراسم دیروز با حمل ناوهای نمادین امریکا، آنان را در خیابان انقلاب به آتش کشیدند. به گزارش فارس این گروه هشدار دادند در صورت هر اشتباهی ناوهای آنها را در خلیج فارس به آتش خواهند کشید.

تئاتر تاریخ ۶۰ ساله

تاریخ ۶۰ ساله صهیونیسم به صورت یک تئاتر خیابانی در حاشیه راهپیمایی روز قدس تهران برگزار شد. این تئاتر در محل پارک دانشجو و در کنار تئاتر شهر تهران برگزار شد.

توزیع بازی رایانه‌ای در حاشیه مراسم

بازی رایانه‌ای لانه شیطان در مسیرهای راهپیمایی روز جهانی قدس توزیع شد. این بازی که محصول کانون فرهنگی و هنری بسیج دانش‌آموزی و بسیج فرهنگیان سازمان بسیج مستضعفین است با تخفیف ویژه در اختیار مردم حاضر در راهپیمایی روز قدس تهران قرار گرفت.

محاکمه سمبلیک

دادگاه نمادین محاکمه سران رژیم صهیونیستی و کشورهای حامی آن نیز برگزار شد. این دادگاه نمادین توسط یک گروه هنری در چهارراه ولیعصر تهران برگزار شد و طی آن سران کشورهای امریکا، انگلیس و رژیم صهیونیستی و سایر حامیان جنایت‌های رخ‌داده در سرزمین‌های اشغالی محاکمه شدند.

انتفاضه سایبری

فارس: همزمان با روز قدس جشنواره «انتفاضه سایبری روز قدس» از سوی شورای هماهنگی فعالان سایبری انقلاب اسلامی برگزار شد. در این گردهمایی اقداماتی نظیر امضای طومار بیانیه برای حمایت از مقاومت مردم مظلوم فلسطین انجام گرفت.

کمک برای سیل‌زدگان پاکستانی

کمیته امداد امام خمینی(ره) کمک‌های مردمی برای سیل‌زدگان پاکستانی را در مسیرهای راهپیمایی روز قدس جمع‌آوری کرد. در راهپیمایی روز قدس امسال کمیته امداد امام خمینی(ره) با استقرار واحدهای سیار جمع‌آوری کمک‌های مردمی در مسیرهای راهپیمایی روز قدس، کمک‌های مردمی برای سیل‌زدگان پاکستانی را جمع‌آوری کرد.

فریاد آزادی قدس در خیابان‌های ایران

ادامه از صفحه اول

علاوه بر محمود احمدی‌نژاد در راس نهاد اجرایی، آیت‌الله صادق لاریجانی رئیس قوه قضائیه از چهارراه ولیعصر به نمازگزاران پیوست. این در حالی بود که علی لاریجانی رئیس قوه تقنینی به قم رفته بود تا علاوه بر شرکت در راهپیمایی حوزه انتخابیه‌اش سخنران پیش از خطبه‌های نماز جمعه این شهر باشد. آیت‌الله اکبر هاشمی‌رفسنجانی رئیس توامان مجمع تشخیص مصلحت نظام و مجلس خبرگان رهبری که از تقاطع انقلاب- نجات‌اللهی راهپیمایی خود را آغاز کرده بود، اعلام حمایت ملت ایران از مردم فلسطین در روز قدس امسال را حساس‌تر از همیشه ارزیابی کرد و گفت: اوضاع خاورمیانه و جهان را می‌بینید، مردم ما هم هوشیارند و می‌دانند اگر بخواهیم به مردم فلسطین خدمتی کنیم اختصاص دو سه ساعت، زمان زیادی نیست. امیدواریم نیاز نباشد نیروگاه هسته‌ای اسرائیل را هدف قرار دهیم در کنار حضور مردم و سران قوا و مسوولان بلندپایه نظام حضور فرماندهان و نظامیان توجه برخی رسانه‌های داخلی و خارجی را به خود جلب کرد. سردار محمدعلی جعفری فرمانده کل سپاه پاسداران، سرلشگر فیروزآبادی رئیس ستاد کل نیروهای مسلح، سردار محمدرضا نقدی رئیس سازمان بسیج مستضعفین، سردار محمد رویانیان مشاور رئیس‌جمهور، سردار احمد وحیدی وزیر دفاع، امیر دریادار سیاری فرمانده نیروی دریایی ارتش، اسماعیل احمدی‌مقدم فرمانده نیروی انتظامی و... از مقامات لشگری حاضر در راهپیمایی دیروز بودند که در حاشیه این مراسم به تهدیدات اخیر رژیم صهیونیستی علیه ایران پاسخ دادند. به گزارش مهر سرلشگر حسن فیروزآبادی با بیان اینکه امیدواریم نیازی به مورد هدف قرار دادن نیروگاه هسته‌ای رژیم صهیونیستی نباشد، گفت: هیچ نقطه از اسرائیل نیست که در تیررس تجهیزات ما نباشد. رئیس ستاد کل نیروهای مسلح در رابطه با اظهارات فرماندهان نظامی امریکا از جمله مایکل مولن پیرامون آماده بودن طرح حمله به ایران تصریح کرد: اولاً نگفتند طرح حمله به ایران آماده است. مقامات امریکایی در گذشته گفته بودند طرح نظامی هم در رابطه با ایران روی میز است.وی افزود: آقای مایکل مولن رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح امریکاست. بعد از اینکه مقامات سیاسی امریکا بنا گذاشتند دیگر این حرف‌ها را نزنند و دیدند این حرف‌ها بی‌فایده است و باعث می‌شود آبرویشان بیشتر برود و ساکت شدند، مایکل مولن به عنوان رئیس ستاد مشترک ارتش آن حرف را زد. فیروزآبادی یادآور شد: این حرف یک حرف صنفی است و بالاخره رئیس ستاد ارتش اگر نگوید طرح نظامی دارد یعنی خودش بیهوده است. در واقع وی یک نوع دفاع از شغل خود کرده است نه تهدید ایران. وی در بخش دیگری از اظهاراتش در پاسخ به این سوال که آیا تاسیسات هسته‌ای رژیم صهیونیستی و این رژیم در اشراف موشکی ایران قرار دارد، بیان داشت: ما دنبال بحث‌های هسته‌ای نیستیم. رئیس ستاد کل نیروهای مسلح با بیان اینکه «جنگ اتمی مصلحت هیچ کشوری نیست»، در پاسخ به این سوال که اگر صهیونیست‌ها حماقتی مرتکب شوند ایران چگونه پاسخ خواهد داد، گفت: ما به شکل‌های مختلف پاسخ آنها را خواهیم داد و آنان را تنبیه خواهیم کرد. وی بار دیگر تاکید کرد: امیدواریم نیازی به این نباشد که نیروگاه هسته‌ای رژیم صهیونیستی را مورد هدف قرار دهیم. وی با بیان اینکه اسرائیل و صهیونیست‌ها یک باند و گروهک ترسو هستند که جرات حمله به ایران را ندارند، افزود: اینکه شاهد هستیم غربی‌ها در رسانه‌های وابسته به خود از حمله به ایران صحبت می‌کنند، مانند کف روی سیل و کوره ذوب فلزات است و ارزشی ندارد. رئیس ستادکل نیروهای مسلح با تاکید بر اینکه سران رژیم صهیونیستی، خودشان هم می‌دانند که در برابر ملت بزرگ ایران و امت اسلامی حرفی برای گفتن ندارند، تصریح کرد: غربی‌ها جرات دست زدن به چنین کاری را ندارند و اگر جرات داشتند، تاکنون این کار را انجام داده بودند. رئیس سازمان بسیج مستضعفین نیز در همین راستا با بیان اینکه هم‌اکنون دست نیروهای نظامی ایران برای از بین بردن رژیم صهیونیستی بسته است، گفت: منتظریم حماقت کنند تا محوشان کنیم. محمدرضا نقدی در پاسخ به این سوال که اگر صهیونیست‌ها حماقت کنند و قصد حمله به جمهوری اسلامی ایران را داشته باشند ایران چه واکنشی نشان می‌دهد، گفت: واکنش ما این است که رژیم صهیونیستی را محو می‌کنیم. وی تاکید کرد: ما منتظریم چنین غلطی از سوی صهیونیست‌ها سر بزند تا رژیم صهیونیستی را محو کنیم. رئیس سازمان بسیج مستضعفین خاطرنشان کرد: امروز دست ما بسته است و از لحاظ شرعی حکم اولیه این است هر گاه سرزمین‌های اسلامی تحت اشغال دربیاید بر عموم مسلمانان واجب است که برای آزادی آن قیام کنند. نقدی یادآور شد: امروز به دلیل مسائل بین‌المللی و معاهدات موجود امکان چنین حضوری را نداریم و دنبال بهانه می‌گردیم تا این بهانه را به ما بدهند آن وقت نشان می‌دهیم چه کار خواهیم کرد. به گزارش فارس وی در پاسخ به سوالی در خصوص علت حضور خودش در راهپیمایی امروز گفت: باید به جای این سوال از من بپرسید چرا به فلسطین نرفته‌ام و گامی برای آزادی فلسطین برنداشته‌ام. نقدی حضور مردم در صحنه و آگاهی‌بخشی و بیدار کردن مردم دنیا را زمینه‌ساز آزادی فلسطین دانست و ادامه داد: طرح مذاکرات سازش تنها به درد سطل زباله می‌خورد. رئیس سازمان بسیج مستضعفین گفت: کسانی که مذاکرات سازش را مطرح می‌کنند افراد عقب‌مانده ذهنی هستند. زمانی که صهیونیست‌ها در اوج اقتدار بودند این عده اسلحه دست می‌گرفتند و می‌گفتند ما می‌جنگیم که البته آن موقع هم نمی‌جنگیدند و تنها ژست مبارزه گرفته بودند و حالا که صهیونیست‌ها ضعیف شده‌اند این عده به فکر سازش افتاده‌اند.

دستور جمع‌آوری تصاویر انقلاب افتاده بر زمین

حضور سردار اسماعیل احمدی‌مقدم فرمانده نیروی انتظامی در راهپیمایی دیروز متفاوت بود چراکه وی در خلال مراسم، نسبت به افتادن تصاویر چهره‌های انقلاب و مقاومت بر روی زمین انتقاد کرد و بعد از خوش و بش به تعدادی از ماموران نسبت به جمع‌آوری این تصاویر دستور داد. فرمانده نیروی انتظامی همچنین در خصوص امنیت برگزاری مراسم باشکوه روز قدس در کشور اظهار داشت: همین حضور بنده به عنوان فرمانده نیروی انتظامی در راهپیمایی، نشان می‌دهد این مراسم در امنیت کامل در حال برگزاری است. نمایندگان مجلس نیز از دیگر مسوولانی بودند که همراه با دیگر اقشار مردم در راهپیمایی دیروز شرکت کردند. اسدالله بادامچیان، حجت‌الاسلام مرتضی آقاتهرانی، علیرضا مرندی، علی مطهری، شهاب‌الدین صدر، محمدرضا باهنر، حسن غفوری‌فرد، اسماعیل کوثری و همچنین جهانبخش محبی‌نیا عضو هیات‌رئیسه مجلس از جمله شرکت‌کنندگان در مراسم راهپیمایی روز قدس در پایتخت بودند. علی‌اکبر صالحی رئیس آژانس انرژی اتمی، حجت‌الاسلام سعیدی نماینده ولی فقیه در سپاه، مهدی چمران رئیس شورای شهر تهران، محسن رضایی دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام، پرویز داودی رئیس مرکز بررسی‌های استراتژیک رئیس‌جمهور، محمدنبی حبیبی دبیرکل موتلفه، پرویز فتاح مدیرعامل بنیاد تعاون سپاه و کمال خرازی رئیس شورای راهبردی وزارت خارجه از دیگر مسوولان حاضر در راهپیمایی دیروز تهران بودند. اما در این میان علی‌اکبر ناطق‌نوری به مشهد رفت و در راهپیمایی این شهر شرکت کرد. راهپیمایان تهران در پایان با صدور قطعنامه‌ای حمایت خود را از مردم فلسطین تا آزادی قدس شریف اعلام کردند.

راهکار حقوقی حل مشکل فلسطین

ادامه از صفحه اول

که اگر دولت قدرتمندی در منطقه خاورمیانه جهت دفاع از کیان مسلمین و سرزمین‌های اسلامی وجود داشت این فاجعه انسانی –اسلامی – تاریخی امکان تحقق نداشت. در چنین شرایطی با دخالت مستقیم دول غربی، خصوصاً انگلستان و با پیشامد حوادث پس از جنگ جهانی دوم و مبسوط‌الید بودن متفقین جهت هر گونه دخالت در منطقه خاورمیانه و با بهانه فراهم ساختن وطن امنی برای قوم یهود که در سایر کشورها، خصوصاً اروپا آواره بودند، خصوصاً با استفاده از فضای روانی ایجاد شده در اروپا نسبت به مظلومیت قوم یهود در آلمان و تبلیغات وسیع پیرامون جنایات رژیم دیکتاتوری هیتلر نسبت به این قوم، نطفه انعقاد دولتی در سرزمین فلسطین و بر روی خانه‌های ویران‌شده و مزارع و باغ‌های تصرف شده فلسطینیان بسته شد که امروزه به عنوان یکی از بزرگ‌ترین مشکلات جهان اسلام و خصوصاً مسلمین منطقه خاورمیانه است.۲- تاکنون طی بیش از ۶۰ سال که از تصرف سرزمین کشور فلسطین توسط نیروهای مهاجم اسرائیلی و با حمایت دول استعمارگر می‌گذرد، تلاش‌های فراوانی جهت حل این معضل صورت گرفته است که ازجمله مهم‌ترین آنها می‌توان به چهار جنگ بزرگ بین دولت‌های عربی مصر، اردن، سوریه و حامیان آنها از یک طرف و دولت اسرائیل و حامیان این دولت از طرف دیگر اشاره کرد که در سال‌های ۱۹۴۸، ۱۹۵۶، ۱۹۶۷، و۱۹۷۲ صورت گرفت و متاسفانه در این جنگ‌های وسیع نه‌تنها سرزمین فلسطین آزاد نشد، بلکه بخشی دیگر از سرزمین‌های اسلامی از جمله کرانه غربی رود اردن و بلندی‌های جولان هم به تصرف رژیم اسرائیل درآمد. این جنگ‌ها به جز منازعات دائمی بین فلسطینیان و نظامیان اسرائیلی یا جنگ‌های موردی بین لبنان و اسرائیل و سایر درگیری‌های متفرقه بوده است. آنچه از مجموع این تلاش‌ها برای مردم فلسطین حاصل شده، به کدام دستاورد چشمگیر و پرسود برای این مردم می‌توان دست گذاشت؟ میلیون‌ها فلسطینی در سرزمین‌های دیگر به صورت آواره در داخل اردوگاه‌هایی با شرایط سخت زندگی می‌کنند و اجازه بازگشت به کشور خود را ندارند، هزاران نفر از آنان در داخل زندان‌های رژیم اسرائیل محبوسند، صدها هزار فلسطینی در خارج از اردوگاه‌های تحت نظارت سازمان ملل، در کشورهای عربی، اروپایی و سایر کشورها پراکنده شده‌اند و حاصل تمامی مذاکرات صلح و سازش و میانجیگری نهادهای بین‌المللی و دولت‌های دیگر، به تشکیل یک دولت خودمختار ضعیف در نقطه کوچکی از سرزمین فلسطین، بدون در اختیار داشتن هر گونه امکانات نظامی، اقتصادی و زیربنایی لازم برای یک دولت است؛ حکومت ضعیفی که حتی قادر به تامین ابتدایی‌ترین نیازهای مردم تحت حاکمیت خود هم نیست.۳- سوال اساسی و کلیدی این است که برای نجات فلسطین چه باید کرد؟ با کمال تاسف باید اذعان کرد که جهان اسلام، خصوصاً دولت‌های اسلامی و حتی دولت‌های درگیر موضوع اسرائیل پاسخ یکسان و مورد اتفاقی برای این سوال بنیادی نداشته و ندارند. جمعی از مردم فلسطین تحت تاثیر دیدگاه‌های رهبران مذهبی و سیاسی مورد قبول خود بر مبارزه مسلحانه با رژیم اسرائیل پرداخته‌اند و آن را تنها راه‌حل نجات می‌دانند. ایمان این دسته از مسلمانان فلسطین خصوصاً با صدور فتوای جمعی از پیشوایان دینی مبنی بر جواز عملیات استشهادی به عنوان دفاع از وطن اسلامی (نگاه کنید به سیدمحمدحسین فضل‌الله: فقه الشریعه، جلد ۲ ـ فی الدفاع عن الوطن صص ۶۵۲-۶۵۰) به مبارزه مسلحانه به حدی است که به هیچ‌وجه ابایی از کشته شدن خود یا اسیر شدن و تحت شکنجه قرار گرفتن توسط ماموران رژیم اسرائیل را ندارد و هر گونه خطر جانی و مالی برای خود و حتی خانواده‌شان را به جان خریده‌اند. جمعی دیگر از فلسطینیان و رهبران آنها چشم به مذاکرات صلح دوخته‌اند که با کارگردانی امریکا و سایر دول غربی و بعضی نهادهای بین‌المللی یا بین‌الدولی صورت گرفته یا می‌گیرد و امیدوارند از داخل این جلسات صلح و سازش برای آنان کشور مستقل و امنیت و صلح به ارمغان آورده شود.۴- تاسف بزرگ‌تر این است که دولت‌های اسلامی بعضاً نه‌تنها در جهت حل نهایی مشکل فلسطین وجهه همت خود را قرار نمی‌دهند، بلکه با کارت فلسطینی‌ها در صحنه شطرنج جهانی بازی می‌کنند و مصیبت بزرگ این است که نه‌تنها سرزمین فلسطین مطمح نظر دول استعمارگر غربی و رژیم اسرائیل بوده و هست، بلکه تعدادی از دول اسلامی جهت تصفیه‌حساب‌های خود و ضرب شست نشان دادن به حریف، از معضل فلسطین استفاده می‌کنند و هر روز مشکلی بر مشکلات موجود می‌افزایند، به نحوی که به آسانی در دسته‌بندی‌های گروه‌های مختلف و احزاب سیاسی فلسطین و موضع‌گیری آنان نسبت به مسائل مهمی که در منطقه پیش می‌آید، می‌توان دست‌های دخالت‌کنندگان از کشورهای اسلامی را ملاحظه کرد و به این ترتیب دخالت‌های دولت‌های غربی از یک طرف و اعمال نفوذهای دول اسلامی منطقه و افراط و تفریط‌های موجود در بین گروه‌های فلسطینی که عمدتاً حاصل این دخالت‌هاست از طرف دیگر، مشکل فلسطین را به یک مساله لاینحل و پیچیده‌تری تبدیل کرده است. ۵- به نظر می‌رسد جهت حل مشکل فلسطین، که در واقع مشکل جهان اسلام است، باید علاوه بر آنچه در افکار عمومی و سخنرانی‌ها و راهپیمایی‌ها پرداخته می‌شود، راه‌حل‌های حقوقی و عملی بر اساس واقعیت‌های موجود جهانی و منطقه‌ای ارائه کرد و از حقوقدانان و صاحب‌نظرانی که حل معضل فلسطین یکی از دغدغه‌های جدی آنان است کمک گرفت تا بتوان شاهد ارائه یک راه‌حل منطقی و واقعی جهت این معضل ریشه‌دار شد. نگارنده در این مختصر درصدد ارائه یک طرح جامع نبوده و خود را در واقع صالح برای ارائه چنین طرحی هم نمی‌داند. این امر از عهده یک نفر یا چند نفر خارج است، اما اجمالاً بر موارد زیر به عنوان پیشنهاد قابل مطالعه تاکید دارد.۵- الف: صالح‌ترین افراد برای ارائه یک راه‌حل و طرح بنیادی خود مردم فلسطین هستند، لذا باید از طریق نهادهای بی‌طرف و مورد قبول مردم فلسطین، بتوان نظر آنان را نسبت به هر یک از طرح‌ها و راه‌حل‌های پیشنهادی کسب کرد و پس از آن بر اساس راه‌حل مورد قبول آنان بقیه مسلمانان و دولت‌های آنان اقدام کنند.۵- ب: با توجه به واقعیت‌های موجود جهانی و منطقه‌ای باید پذیرفت که راه‌حلی که صد درصد خواسته ما را تامین کند، گرچه مقبول ماست ولی ممکن است دست‌نیافتنی باشد. بین صد درصد منافع فلسطین و صفر درصد، می‌توان به راه‌حل‌های مقبولی دست یافت که اگر صد درصد منافع آنان را تامین نکند، لااقل درصد بالایی مثلاً ۶۰، ۷۰ درصد منافع‌شان را تامین کند. به عبارت دیگر به جای سیاه و سفید دیدن مساله، باید با شرایط موجود منطقه و جهان، و بر اساس تجارب ۶۰ساله اخیر، دنبال راه‌حلی خاکستری هم بگردیم، تا در شرایط مناسب‌تری این شرایط به تامین منافع بیشتر مردم فلسطین تبدیل شود؛ راه‌حلی که منافع همه ساکنان منطقه از مسلمان و مسیحی و یهودی را تامین کند، و در اینجا ضرورتاً باید گفت حساب مردم یهودی‌مذهب منطقه را از دولت اسرائیل باید کاملاً جدا کرد. ۵- ج: باید بر اساس قاعده معروف الزام «الزموهم بالألزمرا به انفسهم» بر راه‌حل‌های مبتنی بر قواعد بین‌المللی و از جمله منشور سازمان ملل و کنوانسیون‌های بین‌المللی از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر هرچه بیشتر در جهت حل معضل فلسطین تکیه کرد. اگر همه کشورهای اسلامی از جمله ایران ابتکار عمل را در حل قضیه فلسطین بر اساس معاهدات بین‌المللی بر عهده گیرند و تمامی آنها به یک راه‌حل مشترک و مبتنی بر حقوق بین‌المللی و قواعد حقوق پذیرفته‌شده جهانی تکیه کرده و بر اجرای آن اصرار ورزند، و فلسطین را معرکه تعارضات خود قرار ندهند، ممکن است بتوان به یک اتفاق عمومی مسلمین در این جهت دست یافت. مسائل مهمی چون بازگشت همه فلسطینیان به وطن خود، حق تعیین سرنوشت منطقه توسط آرای مردم مثلاً از طریق رفراندوم عمومی، حق انتخاب آزادانه محل سکونت و حق انتخاب شغل به ویژه در مشاغل عمومی، از جمله مسائلی است که مبتنی بر قواعد پذیرفته‌شده بین‌المللی است. اعلامیه جهانی حقوق بشر، خصوصاً مواد نهم، سیزدهم، پانزدهم، هفدهم، بیستم و بیست و یکم این اعلامیه پذیرفته‌شده جهانی، می‌تواند از موارد اتفاق همه دولت‌های اسلامی باشد، به نحوی که بتوان در جهت اجرای این قواعد و سایر قواعد پذیرفته‌شده و خصوصاً قواعد الزام‌آور بین‌المللی از محاکم بین‌المللی مانند دادگاه بین‌المللی لاهه کمک گرفت. منظور نگارنده این نیست که در این طریق هیچ کارشکنی و دست‌اندازی نخواهد بود، بلکه تاکید عمده بر این مطلب است که اتفاق دول اسلامی و گروه‌های فلسطینی بر راه‌حل‌های حقوقی مبتنی بر قواعد الزام‌آور بین‌المللی می‌تواند نقطه اتکا و مقاومت مناسبی در مقابل فشارهای جهانی باشد، و آرا و افکار عمومی جهان را بیش از پیش به خود جلب کند تا با حمایت افکار عمومی جهانی بتوان در جهت حل معضل فلسطین قدم برداشت. اما همه اینها نیاز به اراده جمعی و عزم راسخ دولت‌های اسلامی و اتفاق نظر احزاب و گروه‌های فلسطینی دارد.

معنای آشتی و مبنای وحدت

سعید مصطفوی: بحث پیرامون وحدت و آشتی ملی چند وقتی است در فضای سیاسی ایران به طور جدی مطرح شده و بسیاری از رهبران سیاسی و رسانه‌های پرمخاطب از نظرگاه‌های گوناگون به آن پرداخته‌اند. واقعیت آن است که شرایط کشور به گونه‌ای است که تداوم برخی تشتت‌ها و چندگانگی‌ها می‌تواند منشاء آسیب‌های جدی برای جامعه و کشور باشد یا آنکه موجب از دست رفتن فرصت‌های ارزشمندی باشد که همیشه در دسترس قرار نمی‌گیرند. از یک سو چالش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به مرحله خاصی از حساسیت رسیده که به سادگی نمی‌توان از کنار پیامدهای احتمالی آن گذشت و از سوی دیگر پیچیدگی‌های داخلی جامعه ایرانی به عنوان جامعه‌ای گسترده و متنوع و در حال گذار درگیر مسائل و مشکلاتی است که مقتضی راه‌حل‌های عاقلانه هستند تا با کمترین آسیب و هزینه حل و فصل شوند. این البته تصویری است بسیار اجمالی که تنها نمایی بسیار مبهم از شرایط کلان کنونی کشور را به نمایش می‌گذارد و اهمیت‌ها و اولویت‌ها را به نحو گذرا و غیرتفصیلی و تا حدی که مناسب با حوصله این مقال است، بیان می‌دارد.در چنین شرایطی البته طبیعی است که ذهنیت کشور به سمت و سوی تلاش برای وقوع آشتی میان نیروهای دلسوز جامعه و تقویت پایه‌های وحدت ملی حرکت کند؛ امری که خوشبختانه دست‌کم در گفتمان رسمی بخش‌هایی از اداره‌کنندگان کشور به چشم می‌خورد، هر چند نوع نگاه یکسان و یکدستی نسبت به آن هنوز وجود ندارد و هر شخص یا جریانی از منظر منافع یا دیدگاه‌های خود به آن می‌نگرد و ابعاد و وجوه آن را تعریف و ترسیم می‌کند. از همین رو شاید پیش از هر اظهارنظری در این باب بهتر آن باشد که به سوالات و مسائلی بنیادی‌تر در این زمینه پاسخ داده شود.اما پیش از هر چیز باید در نظر گرفت که «آشتی» مفهومی متضایف با «قهر» است و بنابراین اگر آشتی ضرورتی یافته باشد با حلقه خواص دوستان نیست بلکه با مجموعه کسانی است که به نحوی و به هر دلیل مشخص یا نامشخصی با آنان چالش و درگیری داشته‌ایم و روابط فیمابین دچار تنش و بحران بوده است. همچنان که نمی‌توان درباره آتش‌بس با دوستان سخن گفت یا نمی‌توان درباره تبرئه کسی بحث کرد که هیچ گاه در مظان هیچ اتهامی نبوده است. بنابراین می‌توان گفت وقتی سخن از آشتی به میان می‌آید بالطبع این امر مستلزم وجود تنش‌ها و درگیری‌هایی است که پیشتر رخ داده‌اند. بنابراین معلوم نیست چرا عده‌ای در برابر پیشنهادهای آشتی‌جویانه سرسختانه مقاومت کرده و معتقدند دایره گفت‌وگوها را باید محدود به حلقه دوستان مشترک‌المنافع کرد. اینکه عده‌ای در باب گسترده‌تر شدن چتر وحدت از طریق آشتی با برخی از جریاناتی سخن بگویند که در گذشته‌های دور یا نزدیک قهر یا دلخوری با ایشان داشته‌ایم امری است که هم منطقی و هم دلسوزانه به نظر می‌رسد؛ اما اینکه در برابر چنین سخنان منطقی و دلسوزانه‌ای موضع منفی و سرسختانه گرفته و بیهوده بر طبل کش دادن نزاع‌های بی‌ثمر و وحدت‌سوز با مخالفان و منتقدان بکوبیم نه منطقی است و نه دلسوزانه و مشفقانه.البته می‌توان درک کرد در صورتی که با گشایش باب گفت‌وگوهای همدلانه به قصد تقویت مبانی وحدت ملی، جریان‌های سیاسی و اجتماعی به سمت آشتی و حل و فصل منطقی منازعات فی‌مابین پیش روند؛ جماعتی اندک که هنری جز پاشیدن بذر تفرقه ندارند و پیشه‌ای جز تنش‌زایی بلد نیستند، اظهار ناخرسندی کنند چرا که تداوم چنین روندی را به منزله بازنشستگی احتمالی از حرفه خود می‌انگارند. اما در هر صورت نباید از خاطر برد که منافع کلان ملی را نمی‌توان به دلخواست این جناح یا ملاحظات آن جریان پیوند زد و قیصریه وحدت و منافع و امنیت ملی را به هوای دستمال ملاحظات شخصی و جناحی به آتش کشید.وقتی یک مقام ارشد رسمی یا یک چهره برجسته سیاسی در باب ضرورت آشتی میان همه جریاناتی سخن می‌گوید که به اصل نظام وفادارند و مایلند در چارچوب قوانین جاری به کشور خدمت کنند، چرا باید برخی رسانه‌ها یا تریبون‌های تندرو با استفاده از تاکتیک تخطئه بکوشند گوینده را وادار به عقب‌نشینی از اظهارات دلسوزانه خود کنند؟ تجربه تاریخی حکایت از آن دارد چنانچه در چنین مواردی خط تندروی و افراط بر خط عقلانیت و اعتدال غلبه کند، در آن صورت تداوم و تعمیق گسست‌ها آن هم در یک شرایط بحرانی می‌تواند به وقوع آسیب‌های جبران‌ناپذیر منجر شود که در آن صورت صدالبته حتی محکوم و مجازات کردن قاصران و مقصران دردی را دوا نخواهد کرد و هیچ مخاطره و تهدیدی را نیز برطرف نخواهد ساخت.اما نکته دیگری که در این میان باید خاطرنشان ساخت و ذکر آن به ویژه خطاب به بزرگانی مفید تواند بود که با دلسوزی در پی گسترش چتر وحدت ملی از رهگذر توسعه دامنه گفت‌وگوهای معطوف به آشتی ملی هستند؛ این امر تا حدی بدیهی اما در عین حال مهم و اساسی است که وحدت بر اساس مبانی و درون چارچوب‌های خاصی امکان دارد، که بدون تعریف شفاف این مبانی و چارچوب‌ها تضمینی برای تداوم گفت‌وگوهای همدلانه وجود ندارد. اگر حتی اراده‌ای جدی برای آشتی و نیل به وحدت وجود داشته باشد اما مبانی و چارچوب‌های شفاف و مورد توافقی وجود نداشته باشد، معلوم نیست نتیجه مطلوب حاصل آید و چه بسا توقف روند گفت‌وگوها به سرخوردگی و افزایش کینه و تعمیق شکاف‌ها منجر شود؛ امری که قطعاً مطلوب هیچ کس جز دشمنان ملت و وحدت ملی نخواهد بود. بنابراین جا دارد همراه با طرح پیشنهادهای معطوف به آشتی، مبانی و چارچوب‌های پیشنهادی نیز ارائه شوند تا طرفین امکان اظهارنظر و تصمیم‌گیری در یک فضای شفاف را داشته باشند. اما از اینها که بگذریم وقوع آشتی و وحدت و اساساً گفت‌وگو بر یک پیش‌فرض بنیادین استوار است و آن به رسمیت شناختن طرفین و نشستن همه اطراف گفت‌وگو در کنار هم به صورت برابر و هم‌سطح است. نباید از یاد ببریم که سخن گفتن در شرایط ناهم‌سطح اگر از موضع پایین باشد التماس و اگر از موضع بالا باشد دستور و تحمیل است، بنابراین تحقق گفت‌وگو به معنای واقعی جز در شرایط هم‌سطح و برابر امکان‌پذیر نخواهد بود.

ادامه از صفحه اول

فلسطین و قدس

...یا عملاً وضعیت به صورتی دربیاید که تشکیل آن به صورت یک کشور مستقل واقعی امکان‌ناپذیر یا غیرعملی شود، تکلیف نزدیک به سه میلیون و نیم فلسطینی ساکن نوار غزه، کرانه غربی و داخل خود اسرائیل چه می‌شود؟ تکلیف آوارگان فلسطینی چه می‌شود؟ پاسخ اسرائیلی‌ها، یا درست‌تر گفته باشم امید اسرائیلی‌ها آن است که فلسطینی‌ها به تدریج به صورت یک اقلیت قومی در داخل خود اسرائیل درآیند یا کرانه غربی و نوار غزه به صورت بخش‌های خودمختاری از اسرائیل درآیند و آوارگان فلسطینی ساکن لبنان، اردن و سوریه که دربرگیرنده بخش عمده آوارگان هستند، به‌تدریج در آن کشورها جذب شوند.

البته این استراتژی یا اهداف بلندمدت در میان جریانات مختلف اسرائیلی از شدت و ضعف برخوردار است. در یک تقسیم‌بندی کلی در میان جریانات مذهبی، محافظه‌کار و ارتدوکس و راستگرا تمایل به اینکه فلسطینی‌ها کشوری مستقل از خود در کنار اسرائیل نداشته باشند خیلی زیادتر است. در مقابل جریانات چپ، سکولار و لیبرال به هر حال به ایجاد یک کشور فلسطینی مستقل ولو از روی اکراه اعتقاد دارند. رهبری کشور اسرائیل ظرف ۶۱ سال گذشته، به تدریج از چپ و سکولارها متمایل شده به راست و مذهبی‌ها. به همین نسبت هم پذیرش و اعتقاد به اتحاد یک کشور فلسطین مستقل خیلی کاهش یافته و در مقابل اکثریت جریانات سیاسی درون حاکمیت اسرائیل را نیروهایی امروزه تشکیل می‌دهند که ته دل‌شان هیچ اعتقادی به اتحاد یک کشور مستقل فلسطین نداشته و در بهترین حالت خواهان ایجاد یک مجموعه خودمختار که به طور کامل تحت کنترل اسرائیل باشد، هستند.

این وضعیت را به بهترین وجه در دولت راستگرا و نیمه‌مذهبی فعلی اسرائیل به رهبری نتانیاهو می‌توان ملاحظه کرد.

می‌رسیم به فلسطینی‌ها. بهترین تفسیری که از آنان می‌توان کرد، تفسیر مارکس از طبقه کارگر یا پرولتاریاست. مارکس معتقد است به این دلیل پرولتاریا انقلابی‌ترین طبقه اجتماعی است که در جریان کشمکش‌های سیاسی، نبرد طبقاتی، شورش، انقلاب و نهایتاً فروپاشی نظام حاکم هیچ چیز ندارد که از دست بدهد. مارکس می‌گوید طبقه کارگر تنها چیزی که در انقلاب از دست می‌دهد زنجیرهایی است که بورژوازی بر دست و پای وی بسته است. فلسطینی‌ها هیچ چیز دیگری ندارند که از دست بدهند. هرچه داشته‌اند اسرائیلی‌ها از آنان ستانده‌اند. برای یک لحظه زندگی یک فرد معمولی اعم از زن یا مرد، پیر یا جوان، دختر یا پسر، تحصیلکرده یا عامی، بی‌دین یا بادین فلسطینی در نوار غزه، الخلیل، بیت‌المقدس، جنین یا هر جای دیگری از کرانه غربی رود اردن یا نوار غزه را در نظر بگیریم. چه انگیزه یا انگیزه‌هایی، چه امید یا امیدهایی، چه فردا یا فرداهایی و چه آینده‌ای برای وی متصور است؟ رفتنش، آمدنش، کارش، زندگی‌اش، تحصیلش، بهداشت‌اش، دوا و درمانش و حتی نفس کشیدنش هم تحت کنترل شدید، نظارت و بگیر و ببند اسرائیلی‌هاست. این فقط نوار غزه نیست که به عنوان زندانی بزرگ به طول ۳۵ کیلومتر و عرض متوسط هفت کیلومتر، یک میلیون و ۲۰۰ هزار فلسطینی را در خود حبس کرده است. زندگی نزدیک به دو میلیون فلسطینی در کرانه غربی هم خیلی تفاوتی با نوار غزه ندارد. فقدان امید به آینده بزرگ‌ترین فاجعه‌ای است که برای فلسطینی‌ها به وجود آمده است. برای بسیاری از آنان نه دیگر جزییات مذاکرات و توافقات میان محمود عباس و نتانیاهو مهم است، نه اینکه اوباما چه گفته یا جرج میچل کی قرار است به فلسطین بیاید، یا اتحادیه عرب و سازمان کنفرانس اسلامی چه موضع‌گیری‌ای کرده و قس‌علیهذا. به تدریج داشتن امید و باور به ایجاد یک کشور مستقل فلسطینی در میان بسیاری از فلسطینی‌ها پژمرده می‌شود، این فکر و احساس به جای آن در میان‌شان بارور می‌شود که حال که قرار نیست ما یک کشور مستقل در فلسطین داشته باشیم، چرا اسرائیلی‌ها داشته باشند؟ اشکال اساسی بسیاری از امریکایی‌ها و حتی اسرائیلی‌ها آن است که ایران یا سایرین را متهم به شعله‌ور ساختن آتش رادیکالیسم در میان فلسطینی‌ها می‌کنند. اما اگر بهتر نگاه کنند، بی